

«کرونا|||» دانشجویی: فرصت‌ستانی‌های آموزش مجازی

نعمت‌الله موسی‌پور^۱

آنچه فروغی (۱۳۰۶) پیش‌بینی کرده بود که تا پایان قرن {چهاردهم شمسی} تحقق یابد، امروز برای بسیاری از مردم دنیا جزو تجربه زیسته است. فروغی از «برافتادن مدرسه» در وجه معمول ابتدای قرن چهاردهم هجری از حیات انسانی سخن به میان آورده و با خوشبینی به این رخداد، چنین نوشته است:

آنوقت لزوم نخواهد داشت متعلمین برای استماع درس معلمین در جای مخصوص که مدرسه یا محل کنفرانس نامیده میشود جمع شوند و برای این مقصود از شهر به شهر و دیار به دیار روند. در خانه خود می‌مانند و در موقع معین با تلفون بیان معلم را می‌شنوند. باین طریق اولاً توفیر وقت و صرفه مال بسیار از رفت و آمد معلمین و متعلمین به خانه و مدرسه و تهیه لوازم مدارس از عمارت و میز و نیمکت و غیرها حاصل می‌شود. ثانیاً صحت و سلامت مزاج معلمین بهتر خواهد بود.

چه، عده بسیار در یک عمارت جمع نشده و هوای کثیف استنشاق ننموده و امراض به یکدیگر سرایت نمی‌دهند، و از بسی مفاسد دیگر مادی و معنوی و مزاجی و اخلاقی مصون می‌مانند؛ و تا باز اعتراض نفرموده‌اید پیش دستی کرده عرض می‌کنم از عکس تلگرافی یعنی انتقال صور اشکال بوسیله قوه تلگراف بی سیم که الان اختراع شده و مشغول تکمیل آن می‌باشند نیز غافل نباید بود که در آن صورت معلم نه تنها با تلفون بیانات خود را به متعلمین می‌شنوید بلکه حرکات و اشارات خود و تصاویر و اشکال را که باید ببینند می‌تواند به ایشان بنماید، و نیز متوجه باید بود که روز بروز وسایل دیگر برای تعلیم و تعلم پیدا می‌شوند مانند سینماتوگراف که هم اکنون یکی از اسباب نشر معلومات میان عامه است و عنقریب همین سینما را بوسیله قوه تلگراف بی سیم خواهند توانست به خانه‌ها برسانند و بنمایند. باری اجتماع جوانان در مدارس لاقلاً به طور دائم و از صبح تا شام غیر لازم خواهد شد و با این همه اقرار می‌کنم

^۱ استاد برنامه‌ریزی درسی گروه علوم تربیتی؛ دانشگاه هرمزگان. n.mosapour@yahoo.com

که قوه تخیل من وافی نیست که درست ترتیب تعلیم و تدریس آینده را پیش بینی کنم و ممکن است بسی کامل تر و بهتر از اینکه به خیال من رسیده است بشود.

این تعبیر خردمندانه فروغی در ابتدای قرن چهاردهم شمسی، اکنون در سال پایانی آن قرن به سبب پاندمی کرونا تبلور یافته است. پاندمی کرونا زندگی بشری را با مفاهیم تازه‌ای مواجه ساخت؛ که یکی از آنها ارزشمندی «فاصله‌گذاری اجتماعی» به‌عنوان راهی برای رهایی از «جان‌ستانی» بیماری کرونا معرفی شد. این مفهوم که امروزه یکی از سه قانون طلایی حفظ جان است، سبب دگرگونی گسترده در یکی از نهادهایی شد که کار آن مبتنی بر اجتماعات گسترده دنبال می‌شود. این نهاد مهم اجتماعی، «نظام آموزشی» است؛ که مقصود نهایی آن «یادگیری» می‌باشد.

بنیاد نهاد آموزشی را «دوره‌بودن» تشکیل می‌دهد و همین دوره‌بودن اساس شکل‌گیری و استحکام و کاربست یادگیری محسوب می‌شود. کرونا به واقع این کانون و قلب نظام آموزشی را متلاشی کرده است! گرچه دیگر فروغی در میان ما نیست تا آنچه به واقع از نبود اجتماعات آموزشی - احتمالاً برای دستگاه حاکمیت - حاصل می‌شود را مشروح سازد؛ اما خوب است که ما بقدر فهم خود بدان بپردازیم؛ که بقول حافظ:

گرچه وصالش نه به کوشش دهند هر قدر ای دل که توانی بکوش

تجربه آموزش برای همه مردم با دوره‌بودن‌های آن معنا می‌یابد و بخاطر می‌ماند. این ویژگی مدرسه و دانشگاه در دنیای آموزش حضوری تحقق می‌یابد. امروزه دوری از محیط واقعی مدرسه و دانشگاه و دانشجویان، سبب شده است تا ارزش اطلاعاتی که به طور مستمر با آنها سروکار داشتیم، را بیشتر بدانیم. روزی در گفتگویی با یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد با این مبحث مواجه شدم که «زندگی دانشجویی» در محیط واقعی دارای چه فرصتهایی برای «آموختن» بوده است! ایشان مرا متوجه ساخت که با تجربه زندگی در شرایط آموزش مجازی پی برده که بهنگام بودن در جمع دانشجویان هم‌سن و سال از چه نعمتهایی برخوردار بوده است. با او بسیار سخن گفتم و بعد از ایشان، با دانشجویان دیگری که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند، گفتگوهای حضوری و مجازی متعددی داشتم. البته در مواردی نیز با دانشجویان دکتری مراد شده کردم. آنچه اکنون در پی ساماندهی آن هستم، «تامل عمیق» بر تجربه‌های زیسته آنان است. آنچه حاصل شده است نه برآمده از شیوه «نظریه مبتنی بر داده»

^۱ این دانشجو (ل. م.) در دانشگاه مک ماستر کانادا در رشته مهندسی برق با تمرکز بر یادگیری ماشینی تحصیل می‌کرد.

^۲ اغلب این دانشجویان در دانشگاه فرهنگیان (پردیس نسیم تهران) و دانشگاه هرمزگان تحصیل می‌کردند.

است و نه تحلیل مضمونی روایت‌های آنان. آن را می‌توانم «بازخوانی تاملی تجربه‌ها و روایت‌ها» نام بگذارم و به طرح نتایج آن اقدام کنم.

واقعیت آن است که طی سالیان گذشته یکی از آرزوهای آموزش عالی ایران آن بود که ضریب نفوذ آموزش مجازی را بالا ببرد. این موضوع مخصوصاً در زمانی مطرح شد که دولت نهم با شعار عدالت به قدرت رسید و تلاش کرد تا برای تحقق عدالت مورد نظر خویش، آموزش دانشگاهی را به شمار متقاضیانی که در جای جای کشور حضور داشتند گسترش دهد؛ در آن توسعه بنیان‌افکن، موضوع مهم و واقعی هزینه‌های بسیار رویه انتخابی دولت ظهور کرد. وقتی آگاهی از هزینه توسعه آموزش عالی دامن وزارت علوم را گرفت، دو راه فرار شناسایی شد: راه‌حل اول تاسیس دانشگاه‌های غیردولتی و راه‌حل دوم «آموزش مجازی» بود!

بهره‌گیری از آموزش مجازی با آرزوی پوشش به ده درصد دروس آغاز شد؛ ولی آنهم به طور واقعی تحقق نیافت! پژوهش‌ها و تامل‌های خردمندانه عمیق نشان می‌داد که این طریقی دارای خطراتی است؛ ولی میزان آن بقدری ناچیز برآورد می‌شد که کسی واهمه‌ای از آن نداشت. اما بیماری کوید ۱۹ موضوع دیگری بود. در تمام پروتکل‌های بهداشتی، موضوع «فاصله‌گذاری اجتماعی» مطرح شد. این یعنی تیر خلاص بر قلب آموزش حضوری؛ که اساس آموزش دانشگاهی محسوب می‌شد و تجربه چهار قرن تربیت مدرن از آن حمایت می‌کرد.

پاندمی کرونا چنان سرزده از راه رسید که فرصتی برای تدارک حداقل‌های آموزش مجازی هم در ایران فراهم نشد. باوجوداین، همه آموزش از هر نوع و در هر سطح، به فضای مجازی منتقل گردید؛ آنهم نه با ابزارهای جدید و اشخاص آموزش‌دیده در بکارگیری فناوریهای آموزشی، بلکه با جمعیت بزرگ مخالفان آن که به ناچار با آن همنشین شده بودند و با ابزارهای ارتباطی دارای مشکلات فراوان^۱. هر چه بود، به سرعت شرایط و امکانات محدودی توسط دانشگاهها و اشخاص درگیر در آموزش (یعنی استادان و دانشجویان) فراهم شد و تبادل اطلاعات در همان بستر مجازی ناکارآمد برای کاربران، شایستگی‌های حداقلی را فراهم ساخت. طی زمانی کوتاه، تقریباً به میزان یک نیمسال، دهها سامانه آموزشی و هزاران آموزشگر قادر به استفاده از آنها در آموزش عالی کشور فعال شدند. تقریباً همه کلاسهای درس دانشگاهی در فضای مجازی برگزار گردید و حتی کنترل بیرونی و پیشرفت ظاهری درسدهی، افزایش یافت؛ به طوری که

^۱ ایران تقریباً پنج برابر کشورهای توسعه‌یافته جهان، دانشگاه دارد و البته کمتر از یک درصد تحصیلکردگان دانشگاه‌های برتر کشور را در کادر دولت پذیرش می‌کند! بنگرید به: اختلاف معنادار تعداد دانشگاهها در ایران و

جهان <https://www.isna.ir/news/95050105835/>

^۲ موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۴۰۰): مسؤلیت حاکمیت در تربیت برخط: فقر ابزاری و رنج تکراری!؛ فصلنامه

مطالعات برنامه درسی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، پاییز ۱۴۰۰، ۶-۱.

چشم تیزبین متولیان امر نظارت بر ظاهر آموزش را خیره کرد. پس چه چیز در آن بود که مخاطره آموزش مجازی محسوب می‌شود؟

آموزش مجازی «اجتماعات یادگیری غیررسمی موقعیت‌های دانشگاهی» را از دانشجویان (والبته دانش‌آموزان) ستانده است! آنچه از دست رفت، امری موثر اما ناپیدا بود. این ناپیدایی خود به تنهایی برای نادیده ماندن آثار آن کافی بود؛ اما دو پدیده دیگر دانشگاهی هم به نادیدن آن توسط مدیران کمک کرد: اول سرمایه حاصل از کاهش هزینه‌های آموزش حضوری و دوم آسودگی ناشی از نبود اجتماعات جوانان در دانشگاه. چنین بود که مدیران آموزش عالی کشور، احتمالاً، زیر لب با تغییر منظور سعدی زمزمه کردند:

شوق است در جدایی و جور است در نظر هم «شوق» به که طاقت «جورت» نیاوریم^۱
تهدید اساسی کرونا برای آموزش مربوط به نبود اجتماعات یادگیری غیررسمی در محیط دانشگاهی است. دانشجویان دانشگاهها دهها شایستگی خود را نه از کلاس و کلام آموزشگران (استادان) و نوشته‌های منابع علمی (کتابها) که از حضور در موقعیت تربیتی و مشاهده و گفتگوی با آموزشگران و هم‌تایان خود کسب می‌کردند؛ که محیط مجازی آنان را از این نعمت‌ها محروم کرد. در اینجا به ده عنوان برآمده از تجربه دانشجویان اشاره می‌شود که در محیط «آموزش معمول» (حضوری) وجود داشتند و عمل می‌کردند ولی در شرایط حاکمیت آموزش کرونایی (آموزش مجازی)، عمل آنها به سستی دچار شده است؛ و من نام «کرونااای دانشجویی» را بر آنها نهادم:

کاهش کمال‌جویی و اشتیاق به یادگیری: آنچه در تعاملات دانشجویی رخ می‌دهد بیش از آنکه تواناسازی دانشی باشد، انگیزش یادگیری است. این دستاورد در گفتگوهای غیررسمی تحقق می‌یابد و اصولاً بیش از هر چیز، امری پنهان است. انگیزه یادگیری گاه از مشاهده کتابی در دستی حاصل می‌شود که یک هم‌کلاسی در حال مطالعه آن است. این امور خرد در فضای واقعی آموزش می‌تواند تحقق یابد و البته حیات کلان دانشجویی را متأثر می‌کند.

روان‌نژندی ناشی از ندیدن هم‌تایان: جوانان در تعامل با یکدیگر، نه در تعامل با والدین و نه حتی در تعامل با استادان، به بازآفرینی وضعیت روانی خود اقدام می‌کنند. مخصوصاً این موضوع در بروز عواطف و هیجانات بسیار مهم است. نه فقط بروز که کنترل آنها نیز به شدت و فراوانی از دیدن هم‌تایان تاثیر می‌پذیرد. سرمایه‌گذاری جوانان در سلامت شخصی (هم روانی و هم بدنی) تا حد زیادی متأثر از مراودات اجتماعی با هم‌تایان در محیط‌های آشناست. محیط دانشگاه نه تنها یک محیط آشنا و مملو از هم‌تایان است، بلکه علاوه بر آن یک محیط معیار و

^۱البته سعدی در غزل ۴۳۷ چنین سروده است: شوق است در جدایی و جور است در نظر / هم جور به که طاقت

انسداد درک دیگری: دانشجویان با مشاهداتی از نوع دیدن طرحی برای تحقیق در دست دانشجوی دیگر یا دغدغه‌ای که دیگری برای کار آینده خود مطرح می‌کند، میزان پیش‌افتادن یا عقب‌ماندن خود را برآورد می‌کنند. این خودارزیابی از آن جهت بسیار مهم است که در دنیای رقبای واقعی شخص تحقق می‌یابد. وقتی کسی به فکر نوشتن و انتشار است یا کسی به فکر مشارکت در یک همایش یا پژوهش است، انرژی و شوق آن شخص سبب تحریک دیگری است و البته رقابت هم سبب تعیین جایگاه خود. درک واقعیت و وضعیت دیگری، امری است که در موقعیت مجازی با انسداد مواجه است.

از دست رفتن فرصت الگوگیری: اعمال و آداب امری هستند که اصولاً از طریق یادگیری مشاهده‌ای حاصل می‌شوند. ندیدن اشخاص دارای قابلیت الگوشدن مثل آموزشگران (استادان) دانشگاهی یا دانشجویان مقاطع یا سالهای بالاتر، محرومیتی نیست که با فیلم یا سخنرانی یا حتی با فراهم شدن این امکان در زمان یا موقعیت دیگر جبران شود. یکی از اساسی‌ترین منابع کسب تجربه برای ساخت هویت و درپیش‌گرفتن مسیر تعالی، دوره زمانی شروع جوانی یعنی سنین مربوط به تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد است. این دوره اگر بگذرد، زمان و منابع طلایی آن دستاورد، از دست رفته‌اند. الگوگیری اصولاً امری مشاهده‌ای است و حاصل «همنشینی» است. این عمل ضمن آنکه هزینه عمل شخص را کم می‌کند، یکی از طرقی است که سبب انسجام و استحکام اجتماعی می‌شود.

آشنانشدن با زیست چندفرهنگی: یکی از آورده‌های مهم محیط‌های دانشگاهی بزرگ و مخصوصاً برای دانشجویان دور از خانه، آشنایی عمیق آنان در موقعیت واقعی با فرهنگ‌های گوناگون است. فهم چندفرهنگی برای زیست در جامعه دارای تنوع ایران، امری ضروری است و برای زیست در جهان امروز و برای زندگی در یک اجتماع مردم‌سالار یک الزام شناخته‌شده است. همچنین، در این محیط‌ها، فرهنگ رشته‌ای به طور پنهان انتقال می‌یابد و شخص درکی از عمل حرفه‌ای و اخلاقی در رشته تحصیلی خود پیدا می‌کند. این نوع فرهنگ‌ها از تبادلات غیررسمی و پنهان با استادان و هم‌تایان حاصل می‌شود.

انزوای رشته‌ای: موضوع فرهنگ رشته‌ای دارای اهمیت زیادی است. فهم رشته‌ای با زیست در جامعه واقعی اشخاص متعلق به یک رشته حاصل می‌شود. درک فرهنگ رشته‌ای وقتی ممکن است که بزرگان یک رشته در موقعیت‌های عملی و تعاملات رسمی و غیررسمی دیدار کنند. در این شرایط آشکار می‌شود که تبادلات یک رشته چگونه صورت می‌گیرد و در درون یک رشته، برای فکرکردن و موثربودن به چه دانش‌های دیگری نیاز است و بهره‌گیری از هر دانش دیگر چه نوع موفقیتی را ممکن می‌کند. موضوع انزوای رشته‌ای تاحدی نیز مربوط به فرهنگ علم است. علم، دارای حدود، وظایف و اقتضائات و شرایط خاص خود است. عالم شدن در یک علم فقط با کسب دانش رشته‌ای حاصل نمی‌شود؛ بلکه این موضوعی «میان‌رشته‌ای» است.

«کرونا»ی دانشجویی: فرصت‌ستانی‌های آموزش مجازی

کسب فرهنگ میان‌رشته‌ای از آشنایی‌هایی اندک دانشجویان با همتایان خود در رشته‌های دیگر آغاز می‌شود. به همان میزان که دانش و روش مهم است، «منش» نیز دارای اهمیت است؛ که آمیخته‌ای از پدیده‌های متعددی است. منش را در تعاملات می‌توان دید؛ اما از زبانها نمی‌توان شنید!

یلخی‌شدگی: یلخی‌بودن نوعی از بودن است که حاصل تجربه بدون راهنما و مربی است. «شدن» در هر شرایطی برای شخص رخ می‌دهد؛ اما فرهیختگی از آن حاصل نمی‌شود. در محیط حضوری آموزش هر دانشجو با همتایان، با استادان و با کارکنان در تعامل است که در محیط و فضای دانشگاهی عمل می‌کنند. محیطها و فضاهای غیررسمی تعاملات دانشجویی مهم‌ترین منبع کسب دانش و شایستگیهای آنان است. آنان در این فضاها با مفاهیم مختلف آشنا می‌شوند و قدرت تحلیل، استنباط، نقادی، تلفیق و تولید را کسب می‌کنند. اجتماعات یادگیری دانشگاهی دارای اعتبار لازم برای انتقال آداب و اعمال درست هستند. حتی برخی شایستگی‌های مهم مثل نوشتن و یا سخنرانی و یا مشارکت در کارهای جمعی از طریق مشارکت در گروههای دانشجویی حاصل می‌شود. این دانشها و شایستگیها معمولاً همان‌هایی هستند که در این دوره رشدی، شخص به آنها نیاز دارد و آنها را از دوستانی کسب می‌کند که داوطلبانه و یاریگرانه به او تقدیم می‌دارند. این یاریگری نه تنها سبب فرهیختگی دانش‌آموختگان دانشگاه در طول دوران زندگی می‌شود؛ که بیش از آن نوعی فرهنگ و منش عالمانه را در میان تحصیلکردگان دانشگاه نهادینه می‌کند و آن بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های حیات و زندگی است.

بنابراین، ضمن آنکه پاندمی کرونا یکی از آرزوهای آموزش عالی در سطح جهان را برآورد و افزایش پوشش آموزش مجازی را محقق ساخت و به تبع آن هم برخورداری جمع بیشتری از آموزش عالی باکیفیت - بدون محدودشدن به مرزهای کشوری - ممکن گردید و هم هزینه آموزش - برای دولت و برای ملت - کاهش پیدا کرد (تحقق بیشتر آرمان عدالت آموزشی با هزینه کمتر اقتصادی)؛ باوجوداین، واقعیت‌ها آشکار ساخته‌اند که آموزش مجازی سبب محرومیت‌های متعددی برای دانشجویان گردیده و کسب شایستگیهای لازم برای دانش‌آموخته دانشگاهی را با مشکل مواجه کرده است. بر اساس تجربه روایت دانشجویان می‌توان از ده مخاطره و محرومیت قابل تامل آموزش مجازی که فرایند دستیابی دانشجویان به فرهیختگی را با مشکل مواجه کرده‌اند یاد کرد، که هر گونه تصمیم برای آینده آموزش عالی (و حتی آموزش و پرورش) می‌تواند متأثر از آنها باشد. این مخاطرات و آسیب‌ها عبارتند از: «کاهش کمال‌جویی و اشتیاق به یادگیری، روان‌نژندی ناشی از ندیدن همتایان، ویلان‌بودن، ناامیدی از توفیق، افتخار نابجا به خویش، انسداد درک دیگری، ازدست رفتن فرصت الگوگیری، آشنانشدن با زیست‌چندفرهنگی، انزوای رشته‌ای، یلخی‌شدگی».

پایان